کد خبر: ۲۸۴۰۱۳
یکشنبه ۲۷ شهریور ۱۴۰۱ ۱۵:۴۸

وضعیت عدالت در ایران بعد از انقلاب

به‌نظرمی‌رسد وضعیت عدالت در ایران و پنداشت افراد از وجود آن تبدیل به امری مسئله‌ساز شده است. نظام سیاسی حاکم به‌اندازهٔ کافی از موضوع «عدالت» هزینه کرده اما از نگاه مردم دستاورد آن در این زمینه چشمگیر نیست. ازاین‌رو اعتماد چندانی به تحقق آن از سوی ساختار سیاسی کنونی ندارند. این استدلال را می‌توان بر مبنای پژوهش‌های انجام‌شده، موردبررسی و ارزیابی قرار داد. بنابراین سؤال نوشتار حاضر این است که امروزه وضعیت عدالت و پنداشت ایرانیان از عدالت چگونه است؟ چه اثراتی بر جامعه دارد و راه‌های برون‌رفت از این وضعیت کدامند؟

بیان مسئله

عدالت به‌عنوان یکی از ارزش‌های مهم انسانی اجتماعی از دیرباز ذهن فلاسفه، اندیشمندان، سیاست‌گذاران، حکمرانی و عامهٔ مردم را به خود مشغول کرده است. عدالت و رفتار عادلانه به‌اندازه‌ای برای انسان‌ها اهمیت دارد که شاید نتوان کسی را در طول تاریخ یافت که مدعی باشد به‌گونه‌ای ناعادلانه رفتار و عمل کرده است. تعریف عدالت، شیوه‌های تحقق آن و تعیین مصادیق رفتار عادلانه نزد صاحب‌نظران محل مناقشه بوده است. به همان میزان که تعریف عدالت و تعیین مصادیق رفتار عادلانه موردمناقشه بوده، نحوهٔ اجرای عدالت و وجود آن در جامعه نیز موردبحث بوده و باوجوداینکه تحقق عدالت، حداقل در دنیای امروزی، خواست اکثریت مردم است، اما برداشت‌های یکسانی پیرامون معنا و شیوهٔ اجرای آن وجود ندارد.

عدالت آن را در دو بعد عینی و ذهنی موردتوجه قرار می‌گیرد و ممکن است پنداشت مردم از وجود عدالت مطابق با واقعیت موجود نباشد. بعد ذهنی عدالت مبتنی بر پنداشت افراد از شرایط عینی جامعه است که از آن به‌عنوان «پنداشت از عدالت» یاد می‌شود. باتوجه‌به اینکه کنش‌های مردم متأثر از پنداشت‌های آنان است، لذا درک ذهنی عدالت به همان میزان وجود عدالت در جامعه اهمیت دارد؛ چراکه تحلیل وینهون (۲۰۰۵) از داده‌های جهانی نشاط نشان می‌دهد که عدالت اجتماعی بر نشاط تأثیرگذار است و وجود عدالت سطح نشاط در یک جامعه را بهبود می‌بخشد. ازطرف‌دیگر احساس بی‌عدالتی می‌تواند نظم سیاسی اجتماعی موجود را به چالش بکشد.

همچنین باتوجه‌به اینکه حاکمیت مجری تحقق عدالت تلقی می‌شود، چنانچه در یک جامعه پنداشت مناسبی از وضعیت عدالت وجود نداشته باشد، مشروعیت نظام حاکم با چالش مواجه خواهد شد. در شرایطی که نظام سیاسی حاکم در شعارهای خویش بر مقوله عدالت تأکید داشته باشد اما مردم پنداشت مطلوبی از وضعیت عدالت در جامعه نداشته باشند، شکل‌گیری تضاد و کشمکش در جامعه دور از ذهن نخواهد بود. ازاین‌رو مشروعیت نظام و حاکمیت زیر سؤال رفته، رابطه بین جامعه و نهادهای مدنی با حاکمیت مخدوش و می‌تواند منجر به تهی‌شدن جامعه و رفتارهای جمعی از ارزش‌های انسان و بی‌توجهی به منافع جمعی شود. در چنین شرایطی پیگیری شدید منابع فردی تبدیل به اصل راهنمای افراد شده و توجه به منفعت عمومی مرکزیتی در کنش‌های جمعی نخواهد داشت. بدین‌ترتیب جامعه می‌تواند وارد مرحله‌ای از آشفتگی اجتماعی شود.

به‌نظرمی‌رسد وضعیت عدالت در ایران و پنداشت افراد از وجود آن تبدیل به امری مسئله‌ساز شده است. نظام سیاسی حاکم به‌اندازهٔ کافی از موضوع «عدالت» هزینه کرده اما از نگاه مردم دستاورد آن در این زمینه چشمگیر

نیست. ازاین‌رو اعتماد چندانی به تحقق آن از سوی ساختار سیاسی کنونی ندارند. این استدلال را می‌توان بر مبنای پژوهش‌های انجام‌شده، موردبررسی و ارزیابی قرار داد. بنابراین سؤال نوشتار حاضر این است که امروز وضعیت عدالت و پنداشت ایرانیان از عدالت چگونه است؟ چه اثراتی بر حامعه دارد و راه‌های برون‌رفت از این وضعیت کدامند؟